



عکس: هانف همایی

البرز بهشت کوه‌نوردان

سرزمین ما
سباوشن شایان

دهها میلیون سال است که کوههای البرز در جای خود ایستاده‌اند و حدود ۲۰۰ سال است که شاهد گسترش روستایی به نام تهران و تبدیل آن به کلانشهر تهران هستند! این کوههای سر به فلک کشیده که به جز زمین‌شناسان و جغرافی‌دانان کسی از سرگذشت و طول و عرضشان خبر ندارد و از تعداد قلل بی‌شمار آن چیزی نمی‌داند، اکنون سالهاست که در شمال شهر تهران، دیده‌ها را به سوی خود جلب می‌کنند و کوه‌نوردان و علاقه‌مندان به طبیعت را به سوی خود می‌خوانند.

بر سر حدود البرز توافق نیست

جالب است بدانید که زمین‌شناسان و جغرافی‌دانان بر سر حدود البرز با هم توافق ندارند! زمین‌شناسان البرز را از نظر ساختمانی بسیار طولانی‌تر از جغرافی‌دانان می‌دانند و حتی رشته‌کوههای طالش و کوههای شمال خراسان را امتداد البرز می‌دانند. اما جغرافی‌دانان شروع البرز را از دره سفید رود و انتهای آن را دره خوش بیلاق در شمال شاهرود در نظر می‌گیرند. این دو گروه هر یک در مورد حدود البرز برای خود استدلالی دارند، اما این استدلالها هر چه هست، برای کوههای البرز فرقی نمی‌کند، آنها بر دهها شهر بزرگ و کوچک سایه افکنده‌اند و با ذوب برفهای خود، آب

موردنیاز این شهرها و صدها روستا را فراهم می‌کنند و زندگی را برای مردم پیرامون خود به ارمغان می‌آورند.

اگر از کسانی که جغرافیایشان خوب نیست پرسید بلندترین قله البرز کدام است، ممکن است بگویند: دماوند! واقعاً نکند شما هم همین فکر را می‌کنید؟! درست است که دماوند نیز در میان کوههای البرز جا خوش کرده، اما قله‌ای است که بعدها از میان رشته‌کوههای البرز سر برآورده و لقب بلندترین کوه ایران و البرز را به خود اختصاص داده است.

دماوند مخروطی آتشفشانی و تازه وارد در مجموعه کوههای چین‌خورده البرز است و فرزند جوانی از البرز محسوب می‌شود. پس

بلندترین قله البرز، قبل از سربرآوردن دماوند، چه بوده است؟ «علم کوه».

این قله بلند و رفیع را اگر به عنوان بلندترین قله البرز به حساب آوریم، راه خطایی نرفته‌ایم. علم کوه با قله رفیع ۴۶۵۰ متری خود در غرب کوههای البرز همسایه دیگری هم دارد؛ «تخت سلیمان» با ارتفاع ۴۶۴۳ متر. این دو کوه همسایه از هم فاصله کمی دارند و همانند دو یار دبستانی، سالهاست به خوشی و دوستی بر یکدیگر سایه می‌افکنند، به هم برف و یخ قرض می‌دهند و با آبهای خود سه استان گیلان، تهران و قزوین را سرسبز و خرم می‌کنند. کوههای با بیش از چهار هزار متر ارتفاع، پیرامون علم کوه و تخت سلیمان کم نیستند.



عکس: علی محمدپوری



ایران» را برای رشته کوههای زیبا و طولانی البرز با جان و دل می پذیرند.

طی ۵۰-۶۰ سال اخیر، چه قدر دل این کوه را شکافته و جاده ایجاد کرده اند. چندین سد ریز و درشت بر سر رودهای آن ساخته اند که سدهای هراز، لتیان، کرج و طالقان از بزرگ ترین های آنها هستند. چه قدر جاده های کوهستانی که دامنه های البرز را قطع کرده اند تا مردم تهران و پیرامون را به دره های خوش آب و هوای شاهرود، هراز، کرج و طالقان برسانند. حتی نواحی مرتفع کوهستانی بیش از سه هزار متر هم از دست جاده ها در امان نبوده اند و تونلهای متعدد در آنها احداث شده اند تا مردم از یک سوی البرز به آن سوی کوههای رفیع بروند.

اگر خروج روزانه صدها کامیون سنگ و خاک را که از گوشه البرز به عنوان مصالح ساختمانی به همه شهرهای و پیرامون آنها به دشتهای و دامنه های البرز برای گسترش زمینهای شهری اضافه کنیم و دودهای حاصل از کارخانه های شهرهای پیرامون البرز را هم بدان بیفزاییم، آن وقت اشکمان برای این رشته کوههای نجیب درمی آید و از خود به عنوان یک انسان می پرسیم: ما با این کوه چه می کنیم؟! یا ما با این کوههای نجیب و استوار، چه نمی کنیم!؟

گیاهانش به مصرف چرای بیش از حد دامها برسند و هوایش آلوده و آلوده تر شود، از این کوهها چه می ماند؟ این منظومه زیستی وسیع چگونه می تواند دوباره خودش را با شرایط بد و جدید وفق دهد؟

نمی خواهیم نومیدانه به این کوهها نگاه کنید. این کوهها را باز هم سرسبز، شادمان، پرتحرک و انسان نواز فرض کنید. اما این انسان نوازی و این تدارک و پشتیبانی از نیازهای آب و خاک برای انسان حدی هم دارد یا خیر؟ درست است که البرز کوه است، اما آیا این کوه، کوه زنده و پویایی هست یا خیر؟ نکند شما هم کوهها را موجودات بی جان فرض می کنید؟! بار دیگر نگاهی به کوههای البرز بیندازید.

شهر تهران و قله توجال

اما آن چه که از شهر تهران دیده می شود، قله توجال است که ارتفاعش به ۳۹۴۳ متر می رسد و ساکنان شهر تهران آن را قله مرتفع البرز فرض می کنند. البرز با این همه قله، دره و دیواره، بهشت کوهنوردان ایران به شمار می آید. اگر حساسیت به خرج ندهیم و دماوند را هم به عنوان قله ای از قله های البرز به حساب آوریم، آن وقت همه کوهنوردان از ما راضی خواهند شد و لقب «بهشت کوهنوردی

شهرهای دامنه های البرز

فهرستی بلند بالا از شهرهای مستقر بر دامنه های البرز می توان فراهم کرد. نزاع علمی زمین شناسان و جغرافی دانان به کنار، اما می توان شهرهایی مثل تهران، کرج، دماوند، فیروز کوه، ورامین، قزوین، سوادکوه، سمنان، دماغان و شاهرود را فرزندان البرز خواند که هریک دهها روستای مستقر بر دامنه های البرز دارند. اگر حریم و حدود کوه البرز رعایت نشود و هر سال مقداری از دشتهای و دامنه های این کوهستان سر به فلک کشیده به گسترش شهرها و روستاها اختصاص یابد، سدهای متعدد دیگری بر روی رودهای آن احداث شوند، رودهایش بخشند، سنگها و خاکهایش به یغما بروند،